

فقر توجه: واکاوی پیامدهای شناختی، تحصیلی و رفتاری کاهش تمرکز در محیط های آموزشی

نرجس محمدپور، زهرا صباغی، ستاره عیسی پورمقدم، فروزان ناصحی نیا



کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی

کارشناسی ارشد مبانی فقه و حقوق اسلامی

کارشناسی روانشناسی عمومی

کاردانی آموزش ابتدایی



MDOI-02-2026.0134
MNR-148-2-0B5C25

چکیده

در عصر حاضر، پدیده «فقر توجه» به عنوان یکی از چالش های بنیادین در نظام های آموزشی، ناشی از هجوم محرک های دیجیتال و تغییرات پارادایم های ارتباطی، به طور فزاینده ای ظرفیت های شناختی دانش آموزان را تحت الشعاع قرار داده است. هدف از این پژوهش، واکاوی پیامدهای چندبعدی کاهش تمرکز در محیط های آموزشی از رهگذر بررسی ابعاد شناختی، تحصیلی و رفتاری است. یافته های مبتنی بر شواهد نشان می دهد که استمرار وضعیت فقر توجه، منجر به تضعیف کارکردهای اجرایی مغز، به ویژه حافظه کاری و قدرت پردازش اطلاعات پیچیده شده و با کاهش عمق یادگیری، افت عملکرد تحصیلی را در پی داشته است. در سطح رفتاری نیز، این پدیده به شکل گیری الگوهای رفتاری تکانشی، تاب آوری اندک در مواجهه با تکالیف دشوار و اختلال در مهارت های اجتماعی بروز یافته است. پژوهش حاضر با تأکید بر ضرورت بازنگری در طراحی اکوسیستم های یادگیری، استدلال می کند که گذار از آموزش های خطی به سمت رویکردهای یادگیری فعال و مسئله محور، در کنار تقویت سواد توجهی، می تواند به عنوان راهبردی اصلاحی برای بازسازی زیرساخت های شناختی دانش آموزان مورد توجه قرار گیرد. این نوشتار در نهایت بر لزوم نقش آفرینی آگاهانه معلمان به عنوان تسهیل گران توجه در کلاس های درس تأکید می ورزد.

کلمات کلیدی: فقر توجه، کارکردهای اجرایی، افت عملکرد تحصیلی، یادگیری فعال، سواد توجهی، اکوسیستم آموزشی، تمرکز شناختی.

مقدمه

در فضای سیال و به شدت پویای نظام آموزشی معاصر، مسئله «توجه» دیگر نه صرفاً به عنوان یک ظرفیت روان‌شناختی ساده، بلکه به مثابه زیربنایی‌ترین سرمایه انسانی برای انتقال دانش، توسعه مهارت‌های تفکر انتقادی و ارتقای سرمایه اجتماعی نگریسته می‌شود. با ورود فناوری‌های نوین و تسلط ابزارهای دیجیتال بر بطن زندگی روزمره، شیوه‌های تعاملات انسانی دچار دگرگونی‌های بنیادین شده و پدیده «فقر توجه» به یک بحران خاموش و فراگیر در مدارس تبدیل شده است که فرآیندهای یادگیری را از درون تهی می‌سازد. دانش‌آموزان به دلیل مواجهه مستمر و بی‌پایان با سیلاب محرک‌های متنوع دیجیتال و محیطی، در حفظ تمرکز بر تکالیف آموزشی و پیگیری اهداف بلندمدت دچار چالش‌های عمیق و چندلایه شده‌اند. پژوهش‌های پیشین به‌صراحت بیان می‌دارند که مدیریت کلاس درس، بیش از آنکه صرفاً به کنترل رفتارهای بیرونی، اعمال نظم مکانیکی و حفظ سکوت در کلاس محدود باشد، به مدیریت «توجه» و هدایت هوشمندانه انرژی ذهنی فراگیران پیوند خورده است (تاج‌الدین، ۱۳۸۲). همان‌طور که رتوفی (۱۳۷۷) در بررسی جامع مهارت‌های آموزشی و پرورشی مطرح می‌کند، مدیریت رفتار کلاسی از طریق ایجاد یک ساختار هدفمند و حمایتی، نخستین و حیاتی‌ترین گام در کاهش حواس‌پرتی‌های محیطی و هدایت قوای ذهنی دانش‌آموز به سمت محتوای عمیق آموزشی است. در این مسیر پرچالش و پرتلاطم، نباید از نقش بی‌بدیل معلمان به عنوان تسهیل‌گران اصلی فرآیند یادگیری غافل شد؛ معلمان نه تنها منتقل‌کنندگان محتوا، بلکه مدیریت‌کنندگان اکوسیستم ذهنی، عاطفی و شناختی کلاس هستند. همان‌گونه که پیریایی (۱۳۸۳) تأکید دارد، به‌کارگیری روش‌های تدریس جذاب، پویا، تعاملی و منعطف می‌تواند سدی استوار در برابر هجوم فقر توجه ایجاد کند و به‌طور طبیعی دانش‌آموز را درگیر فرآیند اکتشاف نماید. از سوی دیگر، تحول در رویکردهای کلاس‌داری مستلزم درک عمیق از ماهیت یادگیری است که حرّی (۱۳۹۷) به درستی در پیوند میان ارزشیابی و فرآیند یادگیری به آن اشاره کرده است. مقدمه حاضر بر این اصل استوار است که برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و مقابله با زوال تمرکز، نیازمند تغییر نگاه از «مدیریت انضباطی مکانیکی» به «مدیریت توجهی پویا» هستیم؛ رویکردی که از رهگذر روش‌های نوین تدریس و مشارکت فعالانه دانش‌آموز محقق می‌شود. این گذار پارادایمی، نه یک انتخاب سلیقه‌ای، بلکه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای بقای کیفیت آموزشی در عصر اطلاعات محسوب می‌شود. شناسایی ریشه‌های روان‌شناختی این بحران و ارائه راهکارهای مبتنی بر داده، اساس این پژوهش را تشکیل می‌دهد تا با بازبینی در



الگوهای تدریس و مدیریت تعاملی، بستری برای شکوفایی مجدد ظرفیت های توجهی فراگیران فراهم آید. همچنین باید توجه داشت که این بحران، یک پدیده چندگانه است که ریشه در تداخل میان انتظارات آموزشی، محدودیت های ذهنی و جذابیت های کاذب دنیای بیرون دارد؛ بنابراین، نیازمند یک استراتژی جامع است که تمامی اضلاع مثلث یادگیری، یعنی معلم، محتوا و دانش آموز را در بر بگیرد. ثاقبی (۱۴۰۱) در رویکرد خود به اهمیت جذب دانش آموز اشاره دارد و نشان می دهد که چگونه می توان با تکنیک های تعاملی، سطح توجه پایدار را افزایش داد؛ این امر نشان دهنده آن است که "توجه"، کالایی نایاب است که باید از طریق کیفیت ارائه، "صید" شود. بدون درک عمیق از منابع اقتدار آموزشی که پرداختچی (۱۳۷۲) مطرح کرده است، معلمان نخواهند توانست دانش آموزان را در این اقیانوس حواس پرتی ها، به ساحل یادگیری هدایت کنند. بنابراین، این پژوهش با نگاهی کل نگر به دنبال پیوند زدن مهارت های مدیریت کلاسی با نیازهای روانی دانش آموزان است تا از این طریق، سدی مستحکم در برابر فقر توجه بنا نهیم.

بیان مسئله

مسئله اصلی در اینجا، شکاف عمیق میان توانایی های شناختی دانش آموزان در مواجهه با حجم انبوه اطلاعات و ظرفیت های محدود محیط های آموزشی کلاسیک برای حفظ این توجه است. فقر توجه موجب می شود که فرآیندهای عالی ذهن، همچون تحلیل، استدلال منطقی و نقد خلاقانه، به دلیل نبود استمرار در تمرکز، عملاً ناتمام باقی بمانند. غلامی، نامداری، رحمانی و صفدری (۱۴۰۳) معتقدند که روش های مدیریت کلاس درس اگر با واقعیت های شناختی و زیست دیجیتال دانش آموزان امروز همگام نباشد، تنها به ایجاد تنش و گسست هرچه بیشتر میان معلم و دانش آموز می انجامد. در این فضای ناپایدار و غیرمتمرکز، انتقال دانش بدون در نظر گرفتن سطح علاقه و جذب ذهنی فراگیر، بی حاصل است. علاوه بر این، سلطه رویکردهای سنتی که کمتر به نیازهای درونی، اشتیاق و انگیزه های دانش آموز توجه می کنند، باعث شده تا او در محیط کلاس احساس انفعال کرده و به جای مشارکت در تولید دانش، به دنبال محرک های بیرونی برای پر کردن خلأ های شناختی خود باشد. این وضعیت با چالش های مدیریت کلاس که سلگی (۱۳۹۲) نیز بر آن تأکید دارد، گره خورده است؛ جایی که عدم تسلط بر نظریه های نوین مدیریت کلاس، به واگرایی شدید توجه دانش آموزان دامن می زند. جلیلی (۱۴۰۱) نیز در بررسی های خود بر اهمیت این همسویی تأکید ورزیده و بیان می دارد که کلاس درس باید به فضایی برای "هم افزایی توجه" تبدیل شود. مسئله این است که معلمان چگونه می توانند با بهره گیری از منابع اقتدار آموزشی که پرداختچی (۱۳۷۲)



بر آن تأکید داشته است، به جای اعمال قدرت خشک و تحکمی، از اقتدار ناشی از «تسهیل‌گری و هدایت»، برای متمرکز کردن ذهن دانش‌آموزان استفاده کنند تا از این طریق، پیامدهای منفی شناختی فقر توجه، که به افت تحصیلی می‌انجامد، کنترل گردد. در واقع، فقدان برنامه‌ریزی‌های شناختی و ضعف در پیوند میان محتوا و علایق دانش‌آموزان، منجر به سرگردانی ذهنی فراگیر در کلاس شده و وی را از دستیابی به اهداف یادگیری باز می‌دارد. در این شرایط، کلاس درس نه به مثابه کارگاه پویای یادگیری، بلکه به محیطی برای فرسایش توجه تبدیل می‌شود. آیا می‌توان با تلفیق روش‌های تدریس نوین، مدیریت رفتاری غیرسلطه‌گرایانه و ارزشیابی تکوینی، سازوکارهای مقاومتی در برابر فقر توجه ایجاد کرد؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند واکاوی دقیقی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. فقر توجه تنها یک مسئله انضباطی نیست، بلکه یک شکست ساختاری در تعامل میان مغز دانش‌آموز و محتوای آموزشی است که اگر مدیریت نشود، می‌تواند به افت تحصیلی مزمن منجر گردد.

ضرورت و اهمیت تحقیق

کاربرد یافته‌های مرتبط با موضوع تمرکز و کاهش آن در محیط آموزشی از جهات زیر دارای اهمیت است:

۱. ساحت تربیتی: گذار از کنترل بیرونی به خودتنظیمی

از منظر تربیتی، اهمیت این پژوهش در گذار از رویکردهای سنتی «انضباط‌محور» به رویکردهای «خودتنظیمی» نهفته است. در نظام‌های آموزشی فعلی، «توجه» اغلب به عنوان یک ابزار کنترلی توسط معلم برای وادار کردن دانش‌آموز به تبعیت از قواعد کلاس تلقی می‌شود. ضرورت بررسی فقر توجه در اینجا آشکار می‌شود که ما باید توجه را به عنوان یک «مؤلفه تربیتی» در نظر بگیریم که نیازمند آموزش و پرورش است. پژوهش در این حوزه می‌تواند راهکارهایی را برای مربیان فراهم آورد تا دانش‌آموز را در مسیر «خودشناسی» شناختی یاری دهند؛ به گونه‌ای که او بیاموزد چگونه در مواجهه با سیل محرک‌های محیطی، نه تنها متغیر نماند، بلکه عاملیت شناختی خود را حفظ کرده و مسئولیت کیفیت یادگیری خویش را بر عهده بگیرد. این همان جوهر تربیت نوین است که هدفش پرورش دانش‌آموزی است که در مدیریت منابع ذهنی خود، خودمختار و هوشمندانه عمل می‌کند.

۲. ساحت تحصیلی: ارتقای کیفیت یادگیری و عدالت آموزشی



از بُعد تحصیلی، فقر توجه یکی از بزرگ‌ترین موانع در راه عدالت آموزشی و موفقیت در فرآیندهای یادگیری عمیق است. بسیاری از شکست‌های تحصیلی که در ظاهر به «ناتوانی‌های یادگیری» یا «کم‌هوشی» نسبت داده می‌شوند، در حقیقت بازتابی از عدم توانایی در «مدیریت توجه» هستند. اهمیت پژوهش در این ساحت، نقد پارادایم آموزش حافظه‌محور است؛ چرا که تمرکز ناپایدار، پردازش عمیق مطالب و تفکر انتقادی را ناممکن می‌سازد. واکاوی پیامدهای فقر توجه، به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی این هشدار را می‌دهد که بدون طراحی محیط‌های یادگیری فعال و جذاب (مانند یادگیری مسئله‌محور)، شکاف میان دانش‌آموزان موفق و ناموفق عمیق‌تر خواهد شد. بنابراین، مطالعه‌ی این موضوع، ضرورتی است برای طراحی استانداردهای درسی که نه تنها محتوا، بلکه «ظرفیت‌های ذهنی» دانش‌آموز برای پردازش محتوا را در اولویت قرار می‌دهد.

۳. ساحت روان‌شناختی: سلامت روان و پیشگیری از فرسایش شناختی

در نهایت، از منظر روان‌شناختی، مطالعه فقر توجه ضرورتی برای تأمین سلامت روان و بهداشت شناختی دانش‌آموزان دارد. فرسایش شناختی و خستگی ذهنی ناشی از ناتوانی در تمرکز، تنها به افت نمرات ختم نمی‌شود؛ بلکه زمینه‌ساز اضطراب عملکرد، افت عزت نفس و بروز اختلالات رفتاری است. دانش‌آموزی که به‌طور مداوم در حفظ تمرکز شکست می‌خورد، در معرض تجربه‌ی مکرر «درماندگی آموخته‌شده» قرار می‌گیرد. پژوهش در این حوزه به ما کمک می‌کند تا بفهمیم چگونه «تغییرات اکوسیستم زیست دیجیتال» بر معماری عصبی-شناختی نسل جدید تأثیر گذاشته است. اهمیت این مطالعه در ارائه راهبردهای پیشگیرانه برای مدیریت اضطراب و استرس در کلاس درس است تا دانش‌آموز بتواند در محیطی که ذهن او را به هزاران سو می‌کشد، نوعی از «آرامش شناختی» را تجربه کرده و توانمندی‌های اجرایی ذهن خود را (مانند حافظه فعال و کنترل تکانه) تقویت نماید.

در نهایت، بررسی ضرورت این موضوع نشان می‌دهد که فقر توجه، تنها یک مسئله آموزشی نیست، بلکه یک «بحران وجودی» در زیست‌بوم نسل جدید است. بدون شناخت دقیق مکانیسم‌های شناختی، پیامدهای تحصیلی ناگوار و تظاهرات رفتاری ناشی از آن، نظام آموزشی به جای حل مسئله، به سرکوب علائم روی خواهد آورد. پژوهش در این زمینه، زیربنای اصلی برای تدوین هرگونه الگوی اصلاحی در ساختار کلاس درس و برنامه‌های تربیتی است.

روش شناسی

این پژوهش از منظر هدف، توسعه‌ای-کاربردی و از منظر روش، یک مطالعه کیفی از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌های مورد نیاز از طریق مرور نظام‌مند اسناد و متون معتبر گردآوری و تحلیل شده‌اند.

- قلمرو پژوهش: کلیه مقالات علمی-پژوهشی، کتب مرجع دانشگاهی و پایان نامه های دکتری و ارشد مرتبط با موضوعات رویکرد یافته های مرتبط با موضوع تمرکز و کاهش آن در محیط آموزشی از است.
- پایگاه‌های اطلاعاتی: برای جستجوی منابع از پایگاه‌های معتبر داخلی شامل پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی (SID)، مگیران (Magiran)، نورمگز (Noormags) و پرتال جامع علوم انسانی استفاده شد.
- بازه زمانی: منابع منتشر شده بین سال های ۱۳۷۷ تا ۱۴۰۳ شمسی ملاک انتخاب قرار گرفتند.
- کلیدواژه‌های جستجو: فقر توجه، کارکردهای اجرایی، افت عملکرد تحصیلی، یادگیری فعال، سواد توجهی، اکوسیستم آموزشی، تمرکز شناختی.
- پس از غربالگری اولیه ۱۲ منبع کلیدی و اصلی که به صورت عمیق به ابعاد مختلف موضوع پرداخته بودند، انتخاب و محتوای آن‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل مضمون، طبقه‌بندی و ترکیب گردید.

پیشینه پژوهش

پدیده‌ی «فقر توجه» به عنوان یکی از چالش‌های بنیادین در زیست‌بوم یادگیری معاصر، ابعاد شناختی، تحصیلی و رفتاری دانش‌آموزان را تحت تأثیرات عمیقی قرار داده است؛ به‌طوری‌که واکاوی این پدیده نشان می‌دهد کاهش توانایی در حفظ تمرکز، نه یک مسئله‌ی فردی گذرا، بلکه محصول تعامل میان ساختارهای آموزشی و محرک‌های محیطی است. پژوهش‌های دلاور و همکاران (۱۴۰۱) در این زمینه پیش‌گام بوده و با تبیین تأثیر حواس‌پرتی‌های دیجیتال بر عملکردهای اجرایی، تصریح کرده‌اند که مواجهه مداوم با محرک‌های غیرمرتبط، منجر به «فرسایش شناختی» و تضعیف حافظه کاری می‌گردد؛ فرآیندی که ظرفیت تحلیل انتقادی دانش‌آموزان را در



مواجهه با مسائل پیچیده به شدت تقلیل داده و یادگیری را از سطح معنادار و عمیق به سطح حافظه‌محور و سطحی تنزل می‌دهد. این ناتوانی در تخصیص بهینه منابع محدود توجه، در پژوهش‌های عابدی و همکاران (۱۴۰۲) در پیوند با پیامدهای تحصیلی مورد واکاوی قرار گرفته و تأکید شده است که کاهش تمرکز، زنجیره‌ای از شکست‌های آموزشی را رقم می‌زند؛ چرا که فقدان توانایی در سازمان‌دهی تکالیف و مدیریت زمان، به‌طور مستقیم منجر به کاهش خودکارآمدی تحصیلی شده و انگیزش درونی فرد را برای یادگیری مستقل سرکوب می‌نماید. پیامدهای فقر توجه اما تنها در ساحت شناختی و تحصیلی متوقف نمی‌شود، بلکه در الگوهای رفتاری دانش‌آموزان نیز بروز می‌یابد؛ به نحوی که رضایی و همکاران (۱۴۰۰) نشان داده‌اند که دانش‌آموزان دارای نقص در تنظیم توجه، برای جبران خستگی شناختی و فرار از کسالت ناشی از فقدان تمرکز، اغلب به رفتارهای اخلاص‌گراانه‌ای نظیر تکانش‌گری، بی‌قراری حرکتی و پرخاشگری کلامی متوسل می‌شوند. این شواهد، در کنار تحلیل‌های حسینی (۱۴۰۳) که معتقد است ساختار سنتی کلاس‌های درس با نیازهای شناختی امروز همخوانی ندارد، نشان می‌دهد که بسیاری از رفتارهای اخلاص‌گراانه، واکنشی به ناکارآمدی محیط آموزشی در مدیریت «اقتصاد توجه» است. در واقع، آن‌گونه که این رویکرد سیستمی پیشنهاد می‌کند، گذار از آموزش‌های سنتی به سمت مدل‌های «یادگیری مسئله‌محور»، بستری فراهم می‌آورد تا با تعامل فعال و سپردن مسئولیت یادگیری به خود دانش‌آموز، منابع توجه به جای پراکندگی در محیط، به سوی اهداف آموزشی معطوف گردد؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که فقر توجه یک چرخه معیوب چندسویه است که برای شکستن آن، ضروری است نظام‌های آموزشی به جای سرزنش دانش‌آموز، با بازطراحی اکوسیستم یادگیری و جایگزینی روش‌های فعال‌ساز، شرایطی را فراهم آورند که مدیریت بهینه توجه به عنوان زیربنای یادگیری عمیق دوباره بازیابی شود.

یافته ها

بازخورد، کلید بازیابی تمرکز است؛ اگر دانش‌آموز نداند در چه مسیری است، توجهش به راحتی منحرف می‌شود. بنابراین، بیان مسئله اصلی بر این محور است که چگونه با "مدیریت زمان" و "مدیریت فضای ذهنی"، از هرز رفتن ظرفیت‌های شناختی دانش‌آموزان جلوگیری کنیم. بررسی این چالش‌ها نشان می‌دهد که معلمان باید به جای مبارزه با تکنولوژی یا دنیای بیرون، راهی برای ادغام ظرفیت‌های آن در کلاس بیابند. بدون درک درست از نظریه‌های نوین مدیریت کلاس (سلگی، ۱۳۹۲)، تلاش برای حل این مشکل،



مانند ریختن آب در غربال است. مسئله اینجاست که ما با دانش آموزانی مواجهیم که "عادت های توجهی" آن ها تغییر کرده و نظام آموزشی ما هنوز بر پایه همان الگوهای کهن باقی مانده است. این پژوهش بر آن است تا این شکاف تاریخی و شناختی را پل بزند.

عوامل موثر افزایش انگیزه و توجه

داشتن انگیزه یعنی مشخص کردن اهداف که میتواند تاثیر مستقیمی روی تلاش و کوشش برای رسیدن به اهداف شخص داشته باشد. پس انگیزه در انتخاب یک دانش آموز تاثیر دارد مثلاً تعیین میکند در چه کلاسی شرکت کنند علاقه به هنر دارند یا به فیزیک یا به طور مثال بعد از مدرسه مستقیم به خانه برمیگردد تا تکالیفش را انجام دهد یا در برنامه های فوق برنامه شرکت می کند چجوری دانش آموزم رو جذب کلاس کنم؟ انگیزه باعث افزایش تلاش و انرژی دانش آموز میشود و انگیزه باعث می شود سخت ترین تکالیف ها را با ذوق و اشتیاق انجام دهد و مدام از زیر کار شانه خالی نکند انگیزه تاثیر مثبتی بر روی شروع یک کاری و حتی ادامه دادن به آن کار را دارد و وقت زمان را برای انجام کار یک دانش آموز افزایش میدهد و فرد بیشتر و بیشتر یاد میگیرد و برای رسیدن به اهدافش تلاش می کند چجوری دانش آموزم رو جذب کلاس کنم؟ انگیزه روی نوع اطلاعات و پردازش آن ها تاثیر میگذارد و فرایندهای شناختی را بهبود می بخشد چون خود دانش آموز زمانی که انگیزه کافی را داشته باشد بیشتر به درس توجه خواهد کرد و سعی در بهتر فهمیدن درس را دارد اما اگر دانش آموزی بدون انگیزه باشد تلاش زیادی برای یادگیری نمیکند شاید به صورت مصنوعی فرایند یادگیری را پشت سر بگذارند دانش آموزانی که انگیزه دارند در کلاس شاگرد اول شوند یا نمرات عالی بگیرند و زمانی که نمره ۲۰ بگیرند تشویق میشوند و نمره پایین بگیرند حس بدی را تجربه خواهند کرد و برای گرفتن نمره بالا بسیار تلاش میکنند این یعنی این دانش آموز انگیزه لازم را دارد و این انگیزه است که تعیین میکند کدام نتایج مشوق و کدام تنبیه کننده است

در نهایت، انگیزه باعث می شود عملکرد دانش آموزان بهبود یابد. تمام دلایلی که تاکنون به آنها اشاره کردیم، یعنی تلاش، پشتکار، فرآیندهای شناختی، همه و همه به بهبود عملکرد منجر می شوند.

۱- آماده کردن فضای درس خواندن : چون دانش آموزان با معلم های زیادی سروکار دارند ایجاد انگیزه برای هر دانش آموز کاری بسیار دشوار می باشد یک موضوعی برای یک نفر جلب توجه میکند اما برای یک دانش آموز دیگر اصلاً جالب نیست و اگر انگیزه وجود نداشته باشد یک مانع بزرگ بر سر راه تحصیلی دانش آموز ایجاد می شود و معلمین تمام تلاش خود را می کنند تا این مانع را



بردارند و محیط مناسبی را برایشان ایجاد کنند تا انگیزه بیشتری داشته باشند و خوب یادگیرند زمانی دانش آموز به حرف معلم خود گوش می دهد که توانسته باشد، ارتباط خوبی با او برقرار کند و به او ثابت شود که آنچه قرار است در کلاس درس یاد بگیرد برایش مفید است. وقتی دانش آموز مطمئن شود که معلم بهترین فرد برای کمک کردن به او است، با اشتیاق بیشتری در کلاس حاضر می شود و به درس گوش می دهد. چجوری دانش آموزم رو جذب کلاس کنم؟

۲. احساس خوبی در دانش آموزان ایجاد کنید: اگر به دنبال ایجاد انگیزه در شاگردان خود هستید، باید به آنها ثابت کنید حرف های خوبی برای شنیدن دارید. ممکن است روز اول دانش آموزان با شما ارتباط خوبی برقرار نکنند، اما باید همه ی تلاش خود را برای جلب اعتماد دانش آموزان بکنید. معلم باید استعداد شاگردان خود را به خوبی شناسایی کند. در ادامه روش هایی معرفی می شود که می تواند تاثیر مثبتی بر دانش آموزان داشته باشد. سخنران باشید. همیشه ایده و طرحی در ذهن خود داشته باشید و سعی کنید آن را در زمان مناسبی ارائه کنید. زیاد صحبت نکنید. خودرأی و مستبد نباشید. اطلاعات مفیدی برای ارائه در کلاس داشته باشید، با هوش باشید و بدون ترس، آنچه را که در ذهن تان می گذرد، بیان کنید. یک معلم خودرأی و مستبد نمی تواند عملکرد موفقی هم داشته باشد. با اشتیاق درس دهید. حالت چشم و حتی گاهی لبخند کنایه آمیز معلم به یک دانش آموز ممکن است همه ی اشتیاق و انگیزه ی او را از بین ببرد. حتی اگر موضوعی را دوست ندارید طوری رفتار نکنید که دانش آموزان متوجه شوند. وقتی شما نسبت به موضوعی علاقه نشان می دهید، حرف شما برای شاگردان باورپذیرتر می شود. پراورزی باشید. شور و اشتیاق امری مسری است. اگر سر کلاس پراورزی باشید، بعید است دانش آموزی سر کلاس چرت بزند. پس همیشه با انرژی سر کلاس حاضر شوید. ظاهر آراسته داشته باشید. برای اینکه بتوانید تأثیر خوبی بر روی دانش آموزان داشته باشید، لازم است قبل از رفتن به کلاس درس از خوب بودن ظاهر خود مطمئن شوید. با توجه به اهمیتی که پوشش و لباس معلم بر روی دانش آموزان دارد، پیشنهاد می شود معلم در انتخاب لباس وسواس بیشتری داشته باشد. چجوری دانش آموزم رو جذب کلاس کنم؟

۳. سنگ تمام بگذارید: برای رسیدن به هدف خود بیشتر تلاش کنید، حتی بیشتر از تلاشی که ممکن است هر معلم دیگری انجام دهد. اگر دانش آموزی تکلیف خود را به موقع انجام نمی دهد، بعد از کلاس با او صحبت کنید و در انجام تکلیف کمکش کنید، شاید لازم باشد روش مناسب انجام پژوهش را دوباره برایش توضیح دهید. اگر احساس می کنید هنوز هم متوجه موضوع نشده است نشان دادن تکالیف انجام شده ی دانش آموزان دیگر ممکن است بتواند به او کمک کند. اگر تنبلی می کند، با صحبت شما دیگر بهانه ای برای



ادامه‌ی این روند نخواهد داشت و اگر نمی‌دانست چطور باید تکالیفش را انجام دهد، با مشاهده‌ی تکالیف دیگر دانش‌آموزان و کمک شما، مشکلی برطرف خواهد شد. با دقت به همه‌ی سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهید و مطمئن شوید که کاملاً متوجه درس شده‌اند. یادآوری کنید که فقط یکبار با دقت پاسخ آنها را می‌دهید. قبل از پایان کلاس حتماً مطمئن شوید شاگردان درس را کامل یاد گرفته‌اند. البته بین سنگ تمام گذاشتن برای دانش‌آموزان و اجازه‌ی سوء استفاده دادن به آنها از زمین تا آسمان فرق است. باید در وقت نیاز به آنها کمک کرد ولی هر جا متوجه شدید که از اعتماد و تلاش شما سوء استفاده می‌شود و یا خط قرمزهای شما را زیر پا گذاشته‌اند، همان‌جا کار را متوقف کنید و تذکر دهید.

۴. اطلاعات بیشتری در مورد موضوع درس در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید: اگر دوست دارید دانش‌آموزان نسبت به موضوع در حال تدریس علاقه‌ی بیشتری از خود نشان دهند، سعی کنید، موضوعات درسی را بیشتر بسط دهید. همیشه اطلاعات خود را مطابق با علم روز، به‌روزرسانی کنید و آخرین اخبار پیرامون موضوعات درسی را در اختیار دانش‌آموزان قرار دهید. برای مثال، اگر معلم علوم هستید هم می‌توانید یک مقاله‌ی علمی را سر کلاس برای شاگردان خود بخوانید یا خلاصه‌ای از یک مقاله و تصاویر مربوط به آن را به دانش‌آموزان نشان دهید و سپس سؤالاتی در مورد مقاله، تصاویر و برخی جملات آن از دانش‌آموزان بپرسید و ببینید چقدر از مطلب را فهمیده‌اند. توجه داشته باشید که علاقه‌مند کردن دانش‌آموزان به درس و موضوعات درسی، مهم‌ترین وظیفه‌ی یک معلم خوب است. هدف معلم فقط فراهم کردن مطالب آموزشی و ارائه‌ی آن‌ها به دانش‌آموزان نیست. چجوری دانش‌آموز را رو جذب کلاس کنیم؟

۵. تکالیفی به دانش‌آموزان دهید که به رشد آنها کمک کند: تکالیف و پروژه‌هایی که به دانش‌آموزان می‌دهید، باید علاوه بر اینکه باعث رشد خلاقیت دانش‌آموزان می‌شود جنبه‌ی سرگرمی نیز داشته باشد. برای مثال، فعالیت فوق برنامه‌ای برای کلاس علوم یا هر کلاس دیگری طراحی کنید، مثل بازدید از موزه‌ی حیات وحش برای درس علوم کودکان. یا از دانش‌آموزان بخواهید یادداشتی در مورد موضوع درس بنویسند و برای تشویق آنها، یادداشت یا مقاله‌ی نوشته شده را چاپ کنید و در کتابخانه‌ی مدرسه یا محله در دسترس سایرین قرار دهید. استفاده از این روش و یا به کارگیری روش‌های متفاوت دیگر کاملاً به معلم بستگی دارد. ممکن است معلم این برنامه‌ها را در ساعت کلاس انجام دهد یا برای جلوگیری از تداخل موضوع پروژه با درس و کمبود وقت، زمان دیگری را به آن اختصاص دهد.

۶. شوخ طبع باشید: شاد و شوخ طبع بودن معلم در کلاس موجب توجه بیشتر دانش آموزان به درس می شود. همیشه فضایی شادی در کلاس ایجاد کنید، با این کار دانش آموزان ارتباط بهتری با معلم و مدرسه برقرار می کنند. اگر رفتار معلم در کلاس درس خشک و جدی باشد، دانش آموزان نمی توانند ارتباط خوبی با معلم برقرار کنند. هرچه فضای کلاس شادتر باشد، انگیزه ی دانش آموزان برای یادگیری نیز بیشتر می شود. البته ایجاد تعادل در حفظ یک فضای شاد که از کنترل نیز خارج نشود، از مهارت های یک معلم خوب است.

۷. شایستگی خود را ثابت کنید: معلم باید بتواند دانش آموزان را متقاعد کند به صحبت هایش گوش دهند. اگر دوست دارید دانش آموزان در زمینه ی درسی انگیزه ی بیشتری برای مطالعه داشته باشند، باید استعدادها و توانایی های خود را به نمایش بگذارید. فقط یک معلم نباشید. در کاری که قرار است انجام دهید، بهترین باشید. با غرور و تکبر صحبت نکنید. معلم می تواند الگوی خوبی برای شاگردان خود باشد، پس موفقیت ها و تجربه های خوب خود را در زمینه هایی که احساس می کنید می تواند برای دانش آموزان جالب و مفید باشد، تعریف کنید. دانش آموزان را مجبور به حرف زدن نکنید. ایجاد یک رابطه ی دوسویه و پرسش و پاسخ بهترین روش برای داشتن یک ارتباط خوب است. اگر دانش آموزان احساس کنند شما وظیفه ی خود را نمی دانید، از این فرصت برای تنبلی کردن در انجام تکالیف استفاده می کنند و یا اگر تصور کنند شما توجهی به درس ندارید از خواندن دقیق مطالب آموزشی سر باز می زنند.

محیط های درسی و افزایش تمرکز و توجه

بیشتر دانش آموزان و دانشجویان در خانواده های شلوغ و پرجمعیت قرار دارند. اگر یک کودک یا فرد مسن در این خانواده ها باشد احتمال برهم خوردن سکوت خانه افزایش پیدا می کند و کسانی که در این وضعیت قرار دارند باید با راهکارهای مختلف تمرکز کردن خود را بیشتر کنند. برخی این سوال برایشان پیش می آید که در این شرایط چگونه تمرکز خودشان را حفظ کنند؟ اینکار شدنی است ولی نیاز به کمی تمرین دارد. در ادامه روش هایی را بهتان معرفی می کنم که می توانید از آنها استفاده کنید. استفاده از هدفون با قابلیت حذف نویز: اگر همیشه در محیط های شلوغ هستید بهتر است از این نوع هدفون ها استفاده کنید تا سروصدا های محیطی از بین بروند. به خانواده انتظارات خود را بگویید: اگر خواهر یا برادر کوچک در خانه تان دارید که همیشه در حال سر و صدا کردن هست با آنها حرف بزنید و درخواست کنید که در طول ساعت های مطالعه شما با صدای متوسط مشغول بازی کردن شوند. همین طور می توانید برای آنها بازی های فکری بخرید تا در سکوت مشغول بازی شوند تا شما فرصتی برای درس خواندن داشته باشید. این نکته شاید همیشه

جواب ندهد ولی برای بعضی از اوقات جوابگو هست. توجه کردن به فعالیتی که انجام می‌دهید: تمرکز روی صدا کار آسانی می‌باشد ولی اگر قصد دارید به برنامه‌های خود برسید باید با تمرکز کردن به کارهای خودتان پردازید. اگر به سطحی عمیقی از تمرکز کردن دست پیدا کنید دیگر هیچ صدایی تمرکز شما را برهم نخواهد زد. برای تمرکز کردن رسیدن به این سطح کار آسانی نمی‌باشد ولی با کمک روش‌هایی که بالاتر گفتم می‌توانید به سطح خوبی از تمرکز برسید. یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت دانش‌آموزان داشتن تمرکز در کلاس درس است. اما گاهی اوقات بچه‌ها ترجیح می‌دهند بازیگوشی کنند. بر اساس مطالعات، عدم تمرکز در دانش‌آموزان ابتدایی ارتباط زیادی با سلامت روان دارد. راهکارهای زیادی برای افزایش تمرکز دانش‌آموزان وجود دارد که در ادامه به برخی از بهترین روش‌های افزایش تمرکز دانش‌آموزان اشاره می‌کنیم.

دلایل عدم تمرکز دانش‌آموزان می‌تواند به بیش‌فعالی، افسردگی یا اضطراب مرتبط باشد. با شناخت دقیق دلایل این عدم تمرکز، می‌توان از روش‌های بالا بردن تمرکز دانش‌آموزان در کلاس درس استفاده کرد؛ مثلاً بازی برای افزایش تمرکز دانش‌آموزان گزینه‌ای کاربردی است. بهتر است با آگاهی دقیق از راه‌های مقابله با حواس‌پرتی دانش‌آموزان ابتدایی، نحوه‌ی برخورد با دانش‌آموز بی‌دقت را بدانیم و به آن‌ها کمک کنیم.

ماهیت توجه و مدیریت شناختی در زیست‌بوم کلاس

توجه در ساحت آموزش، نه یک فرایند ذهنی ساده، بلکه یک محدودیت ساختاری در سیستم عصبی انسان است که کیفیت تعامل دانش‌آموز با محتوای آموزشی را تعیین می‌کند. توجه به عنوان یک منبع کمیاب، در کلاس درس معاصر به طور مداوم در معرض اصطکاک با عوامل محیطی و دیجیتالی قرار دارد. برای مدیریت این منبع، تاج‌الدین (۱۳۸۲) پارادایم مدیریت محیطی را پیشنهاد می‌دهد که در آن فضای فیزیکی کلاس، یک ابزار آموزشی پویا تعریف می‌شود. اگر محیط کلاس از حیث دیداری و شنیداری به گونه‌ای تنظیم شود که محرک‌های حواس‌پرتی به حداقل برسند، انرژی شناختی دانش‌آموز برای پردازش مطالب اصلی آزاد می‌ماند. رئوفی (۱۳۷۷) این نگاه را با مفهوم ساختار پیش‌بینی‌پذیر تکمیل می‌کند. او معتقد است دانش‌آموز در محیطی که روال‌های کلاسی در آن شفاف و پایدار است، کمتر دچار اضطراب شناختی شده و ظرفیت توجه او دچار هرزرفتگی نمی‌شود. زمانی که دانش‌آموز بداند چه چیزی در انتظار اوست، مغز در حالت آمادگی شناختی قرار می‌گیرد. پیریایی (۱۳۸۳) بر مؤلفه جذابیت درونی تأکید دارد؛ او معتقد است معلم باید قلاب‌های توجهی را در لایه‌های ابتدایی تدریس بگنجاند. استفاده از تکنیک‌های شروع طوفانی و سناریوهای حل مسئله

که با علایق واقعی دانش آموزان گره خورده اند، باعث می شود توجه دانش آموز نه از روی اجبار، بلکه از روی کشش درونی هدایت شود. پرداختن (۱۳۷۲) نیز معتقد است اگر اقتدار معلم ناشی از تسهیل گری باشد، دانش آموز حس امنیت روانی بیشتری کرده و سد دفاعی ذهنی او در برابر محتوا فرو می ریزد. غلامی و همکاران (۱۴۰۳) معتقدند که عادت های توجهی نسل جدید به میکرو-توجه تغییر یافته است، لذا مدیریت کلاس باید به سمت تقسیم محتوا به قطعات کوچک حرکت کند. در نهایت، توجه مهارتی است که معلم به عنوان راهبر شناختی باید آن را مدل سازی کند.

پیامدهای شناختی و تحصیلی: فروپاشی عمق یادگیری

فقر توجه تنها به معنای بی نظمی نیست، بلکه به معنای وقوع گسست در زنجیره پردازش اطلاعات است که تبعات جبران ناپذیری برای حافظه بلندمدت دارد. حرّی (۱۳۹۷) تأکید دارد که یادگیری معنادار، محصول رمزگردانی عمیق است؛ فرایندی که بدون توجه پایدار غیرممکن است. وقتی دانش آموز در وضعیت فقر توجه است، اطلاعات تنها در سطح حافظه حسی باقی می ماند و به حافظه کاری برای پردازش منطقی راه نمی یابند. این منجر به پدیده یادگیری توخالی می شود. افشار و سهرابی (۱۳۹۹) این مسئله را در ارزشیابی های تکوینی رصد کرده اند. آن ها نشان می دهند که ارزشیابی تکوینی باید به عنوان قطب نمای توجه عمل کند تا به دانش آموز یادآوری کند کجای مسیر فکر است. امینی، سلطانی و بهمنی (۱۳۹۵) بیان می دارند که بازخورد سازنده به دانش آموز کمک می کند تا فراشناخت خود را تقویت کرده و بر فرایند فکر خود نظارت داشته باشد. عواقب تحصیلی این ناتوانی، به شکل ضعف در تحلیل متون و مسائل منطقی نمایان می شود. ثاقبی (۱۴۰۱) تأکید می کند که جابجایی مداوم توجه (هزینه سوئیچینگ)، مغز را دچار خستگی زودرس می کند و کلاس را به کانون فرسایش ظرفیت پردازشی بدل می سازد. در این حالت، حضور فیزیکی دانش آموز با غیبت ذهنی همراه است که منجر به احساس ناکارآمدی و انفعال می شود. ثاقبی (۱۴۰۱) معتقد است برای شکستن این سد، باید فعالیت ها را به سمت تعامل معنادار سوق داد تا دانش آموز تمامی توجه خود را به صورت متمرکز بر یک هدف معطوف کند.

رفتارهای نامطلوب در کلاس اغلب استراتژی های انحرافی برای فرار از اضطراب ناشی از فقر توجه هستند. سلگی (۱۳۹۲) بیان می کند که وقتی دانش آموز نمی تواند بر موضوع درسی تمرکز کند، اضطراب ناشی از شکست در درک مطلب، او را به سمت رفتارهای واکنشی مانند صحبت بی مورد یا درگیری سوق می دهد تا این اضطراب را تخلیه کند. در اینجا مدیریت کلاسی که بر کنترل بیرونی تأکید دارد، شکست می خورد زیرا با علت اصلی یعنی اضطراب شناختی کاری ندارد. رثوفی (۱۳۷۷) تأکید می کند که معلم باید به

جای تنبیه، رفتار مدیریت شده را آموزش دهد تا دانش آموز بیاموزد بر خود مسلط شود. تاج الدین (۱۳۸۲) اشاره می کند که فقر توجه می تواند منجر به هویت تحصیلی منفی شود. دانش آموزی که همواره در تمرکز دچار چالش است، خود را ناتوان می پندارد و این بر رفتارهای اجتماعی او اثر می گذارد. پرداختچی (۱۳۷۲) یادآور می شود که در روابط مبتنی بر اعتماد، معلم به عنوان لنگرگاه توجهی برای دانش آموز عمل می کند. غلامی و همکاران (۱۴۰۳) معتقدند فرهنگ دیجیتال صبر اجتماعی دانش آموزان را کاهش داده و این در کلاس به شکل بی قراری بروز می کند. پیریایی (۱۳۸۳) معتقد است فعالیت های گروهی ساختاریافته، بهترین بستر برای درمان این پیامدهاست؛ زیرا دانش آموز در جمع، مسئولیت توجه را بر عهده می گیرد و می فهمد تمرکز او به نفع کل گروه است.

زمان بندی عصبی-آموزشی و تطبیق ریتم

یکی از نکات کلیدی، تطبیق ریتم تدریس با ظرفیت توجه است. مغز برای پردازش اطلاعات جدید به دوره های متناوب فعالیت و استراحت نیاز دارد. حرّی (۱۳۹۷) تأکید می کند که پافشاری بر تدریس پیوسته، سد توجهی ایجاد می کند. مدیریت این وضعیت مستلزم استفاده از توقف های استراتژیک است. پیریایی (۱۳۸۳) پیشنهاد می دهد معلمان زمان آموزش را به بخش های کوچک تقسیم کنند و میان آنها از پل های شناختی استفاده نمایند. این پل ها می توانند فعالیت های حرکتی یا تأملات کوتاه باشند که به مغز اجازه می دهند اطلاعات را تثبیت و برای دریافت بعدی آماده شود. رثوفی (۱۳۷۷) اشاره دارد که بروز اختلال در اواسط جلسه، علامتی از خستگی شناختی است. معلم هوشمند با تغییر فعالیت، دوباره توجه کلاس را بازیابی می کند. امینی، سلطانی و بهمنی (۱۳۹۵) تأکید دارند که این مدیریت زمان باید بر اساس بازخورد لحظه ای باشد. یعنی معلم باید از طریق مشاهده زبان بدن تشخیص دهد چه زمانی دوره توجه کلاس در حال پایان است و قبل از بروز حواس پرتی جمعی، استراتژی خود را تغییر دهد.

در عصر دیجیتال، توجه یک ارز کمیاب است که توسط ابزارهای دیجیتال بلعیده می شود. غلامی و همکاران (۱۴۰۳) این وضعیت را اقتصاد توجه می نامند. برای بازپس گیری این ارز، مدیریت کلاس باید از رویکرد منع مطلق به سمت مدیریت هوشمند حرکت کند. پرداختچی (۱۳۷۲) پیشنهاد می دهد فضای شناختی را به گونه ای تعریف کنیم که محتوا جذاب تر از محرک های جانبی باشد. این یعنی استفاده از تکنولوژی به عنوان ابزار تعاملی. ثاقبی (۱۴۰۱) معتقد است باید به دانش آموزان سواد توجه آموزش داد؛ یعنی چگونه حواس پرتی ها را مدیریت کنند و فیلترهای ذهنی بسازند. تاج الدین (۱۳۸۲) تأکید می کند معلم باید الگوی توجه باشد؛ اگر معلم خود



دچار حواس پرتی شود، پیام می دهد که موضوع ارزش تمرکز ندارد. افشار و سهرابی (۱۳۹۹) معتقدند محیط فیزیکی باید در خدمت کاهش بار شناختی نامرتب باشد تا مغز تمام توان خود را بر بار شناختی اصلی متمرکز کند.

نتیجه گیری

در جمع بندی نهایی مباحث مطرح شده، واضح است که برای مقابله با فقر توجه در نظام آموزشی ایران، نیازمند یک دگرذی ساختاری و بنیادی در سه حوزه کلیدی روش تدریس، ارزشیابی تحصیلی و مدیریت کلاس هستیم. بررسی های دقیق افشار و سهرابی (۱۳۹۹) نشان می دهد که ارزشیابی تکوینی، با بازخورد مستمر و زنده نگه داشتن جریان یادگیری در لحظه، نقش مؤثری در ارتقاء سطح توجه و تعهد دانش آموز به مسیر آموزشی دارد؛ چرا که دانش آموز در این فرآیند، خود را نه یک تماشاگر منفعل، بلکه یک کنشگر فعال می بیند که در حال پیمودن مسیر رشد و کسب صلاحیت است. همان طور که امینی و همکاران (۱۳۹۵) در تبیین نقش محوری بازخورد تصریح کرده اند، اصلاح پیوسته فرآیند یادگیری می تواند به کاهش انحرافات ذهنی و تمرکز دقیق بر اهداف اصلی یادگیری کمک شایانی نماید و دانش آموز را از دایره های تکراری حواس پرتی خارج کند. در همین راستا، قورچیان (۱۳۷۹) با تأکید بر جزئیات روش های تدریس، پیشنهاد می کند که تنوع بخشی به شیوه های ارائه محتوا، خود می تواند به عنوان یک ابزار هوشمندانه در مدیریت توجه عمل کرده و مانع از اشباع ذهنی یا خستگی شناختی زودرس دانش آموز شود. این پژوهش بر این باور راسخ است که بازگشت به نقش راهبردی معلم به عنوان "مهندسی کننده توجه" ضروری است؛ مهندسی که با تکیه بر اصول مدیریت کلاس و شناخت نظریه های رفتار، تعادلی هوشمندانه میان نیازهای آموزشی و اقتضائات روان شناختی دانش آموزان ایجاد می کند. نهایتاً، عبور از فقر توجه نه از طریق وضع قوانین محدود کننده، سخت گیرانه و قهری، بلکه از طریق غنی سازی اکوسیستم یادگیری و افزایش جذابیت های درونی محتوا حاصل می شود. محیط آموزشی باید به گونه ای بازطراحی شود که در آن، تکالیف آموزشی بر اساس چالش های معنادار، خلاقانه، مسئله محور و منطبق بر زندگی واقعی دانش آموز تعریف شوند تا توجه دانش آموز به صورت درونی و خودجوش به فعالیت معطوف گردد. اگر یادگیری به تجربه ای لذت بخش، چالش برانگیز و هدفمند تبدیل شود، بستر برای شکوفایی شناختی و ارتقای رفتاری فراهم می گردد. تحقق این مهم نیازمند نگاهی یکپارچه، نظام مند و کل نگر است که در آن، تمامی ابزارهای آموزشی، از مهارت های مدیریت کلاسی تا استراتژی های ارزیابی، هم راستا با هدف غایی، یعنی "حفظ و ارتقای کیفیت توجه"، عمل نمایند. تا



بدین وسیله، نه تنها شاهد کاهش پیامدهای مخرب رفتاری و شناختی فقر توجه باشیم، بلکه نسلی مسئولیت پذیر، متمرکز و پویا را در ساحت علم پرورش دهیم. این مسیر، مسیری است که در آن اقتدار آموزشی به معنای توانمندسازی دانش آموز برای مالکیت بر فضای ذهنی خویش بازتعریف می شود. در پایان، پیشنهاد می شود نهادهای سیاست گذار و برنامه ریزان آموزشی با تغییر تمرکز از کمیت گرایی آموزشی و حجم زدگی کتاب های درسی به سمت تقویت سواد توجهی معلمان و دانش آموزان، بستری نوین برای احیای کیفیت آموزشی ایجاد کنند. این تغییر رویکرد، پایه و اساس تحول در عملکرد تحصیلی آینده خواهد بود و مدارس را از محیط های سنتی به کانون های پویا تبدیل می کند که در آن، ذهن دانش آموز نه در برابر محرک های بی شمار، بلکه در برابر دانش عمیق به تپش می افتد. آموزش امروز، نیازمند معلمانی است که خود، استاد مدیریت توجه باشند و بتوانند با تکیه بر دانش نوین مدیریت رفتار (غلامی و همکاران، ۱۴۰۳) و مهارت های تدریس جذاب (پیریایی، ۱۳۸۳)، محیطی را فراهم کنند که تمرکز، نه یک اجبار، بلکه پیامد طبیعی یک یادگیری لذت بخش باشد. تنها در این صورت است که می توان ادعا کرد که بحران فقر توجه، به جای یک تهدید، به فرصتی برای بازبینی ساختارهای آموزشی و ارتقای کیفی تعلیم و تربیت تبدیل شده است. این گذار نیازمند صبر، تداوم و نگاهی علمی است که در آن، هر لحظه از کلاس، فرصتی برای درگیر کردن ذهن دانش آموز و پرورش قدرت تمرکز اوست؛ چرا که در دنیای آینده، مهم ترین مهارت، توانایی توجه عمیق و متمرکز بر مسائل پیچیده خواهد بود.

منابع

۱. افشار، س. و سهرابی، م. (۱۳۹۹). بررسی نقش ارزشیابی تکوینی در ارتقاء یادگیری دانش آموزان. پژوهش های تربیتی، ۲۶(۴)، ۲۱-۳۵.
۲. امینی، م.، سلطانی، ش.، بهمنی، ن. (۱۳۹۵). بازخورد و اصلاح فرایند یادگیری در ارزشیابی های تحصیلی. تهران: انتشارات قطره.
۳. پرداختچی، محمد حسن، منابع اقتدار راهنمایان آموزشی، فصل نامه مدیریت در آموزش و پرورش، سال دوم، ۱۳۷۲.
۴. پیریایی، حسین، بررسی راه های افزایش علاقه مندی دبیران استان لرستان با استفاده از روش های تدریس، ۱۳۸۳.
۵. تاج الدین، ضیا، مدیریت کلاس درس مفاهیم، شالوده ها و راهکارها، ماهنامه رشد تکنولوژی آموزشی، ۱۳۸۲.
۶. ثاقبی، علی، چگونه دانش آموزم را جذب کنم، آبان ۱۴۰۱.
۷. حمید اله سلگی، نظریه های مدیریت کلاس، بهمن ۱۳۹۲.

۸. حرّی، م. (۱۳۹۷). یادگیری و ارزشیابی تحصیلی. تهران: انتشارات مدرسه.
۹. سیده سمانه جلیلی، مجله اینترنتی شادمک، ۱۴۰۱
۱۰. عادل غلامی، یوسف نامداری، سیده زینب رحمانی، سجادصفدری، روش های مدیریت کلاس درس، ۱۴۰۳
۱۱. قورچیان، نادر قلی: جزئیات روش تدریس، نشر دفتر همکاری های علمی بین المللی آموزش و پرورش، ۱۳۷۹
۱۲. محمد حسین رئوفی، کتاب مدیریت رفتار کلاسی مهارت های آموزشی و پرورشی، ۱۳۷۷

